




The University of Tehran Press

Feasibility of Legislation in Cyberspace with Emphasis on the Principles of the Iranian Constitution

Zahra Raofi Fard^{1✉} | Firooz Aslani²

1. Corresponding Author; Ph.D. in Public law, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: Zahra.raofi.fard@ut.ac.ir
2. Associate Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. Email: aslani@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Internet as a modern phenomenon of the contemporary world has caused the development of huIraman societies. The sovereignty must regulate the relations between individual citizens in the cyberspace. Undoubtedly, the scope of the people authorities and freedoms in the cyberspace is completely different from those of the real space. The maintenance of privacy, the prohibition of pornography, protection of copyright, etc., require the limitation on the users' scope of activity. The Constitution explicates the outlines of the citizens' rights and freedoms. The question that arises is whether the current laws can respond to the challenges of cyber space or do we need legislation in this area? It seems that The question that arises is whether the current laws can respond to the challenges of cyber space or do we need legislation in this area? the rules of self-regulation cannot regulate the relations of people of the nation in this space. By enacting a comprehensive law, appropriate to the society's culture and ethics, and in accordance with the unquestionable principles of the Constitution and the protection of public rights and freedoms, action should be taken. In this case, blind adaptation of the laws of other countries should be avoided.
Pages: 2297-2321	
Received: 2024/09/02	
Received in Revised form: 2024/01/07	
Accepted: 2024/09/29	
Published online: 2025/12/22	
Keywords: <i>constitution, legislation, comprehensive law, rights and freedoms, interne.</i>	
How To Cite	Raofi Fard, Zahra; Aslani, Firooz (2026). Feasibility of Legislation in Cyberspace with Emphasis on the Principles of the Iranian Constitution. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (4), 2297-2321. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2024.363374.3367
DOI	10.22059/jplsq.2024.363374.3367
Publisher	The University of Tehran Press. 



امکان سنجی تقنین در فضای مجازی با تأکید بر اصول قانون اساسی ایران

زهرا رئوفی فرد^۱ | فیروز اصلانی^۲^۱. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Zahra.raoofi.fard@ut.ac.ir^۲. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: aslanif@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۳۲۱-۲۲۹۷</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: قانون‌گذاری، حقوق و آزادی‌ها، فضای مجازی، حریم خصوصی، قانون اساسی.</p>	<p>سامانه جهانی اینترنت پدیده‌ای نوین است که موجب تحول جوامع بشری شده است و حاکمیت باید قواعد تنظیم‌گرانه برای روابط افراد در فضای مجازی وضع کند. دامنه اختیارات و آزادی‌های مردم در فضای مجازی کاملاً متفاوت با فضای حقیقی است. حفظ حریم خصوصی، منع هرزه‌نگاری، حمایت از حق نشر مؤلفان و... مستلزم ایجاد محدودیت دامنه فعالیت کاربران است. قانون اساسی خطوط کلی حقوق و آزادی‌های شهروندان را ترسیم می‌کند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا قوانین فعلی می‌تواند پاسخگوی چالش‌های فضای مجازی باشد یا نیازمند تقنین در این حوزه هستیم. این نوشتار با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با هدف ارزیابی امکان‌سنجی تقنین در فضای مجازی با تمرکز بر اصول قانون اساسی، ضمن ارائه چارچوب کلی، چالش‌های تقنینی موضوع را مورد تحلیل قرار می‌دهد و در نهایت راهکارهایی ارائه می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد قواعد خودتنظیمی نمی‌تواند به تنظیم روابط شهروندان در این فضا بپردازد و با تفسیر و تحلیل قوانین موجود نمی‌تواند اینترنت را قاعده‌مند ساخت؛ بلکه باید با وضع قانونی جامع، متناسب با فرهنگ و اخلاق جامعه و مطابق با اصول مسلم قانون اساسی و حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی، اقدام کرد.</p>
استناد	رئوفی فرد، زهرا؛ اصلانی، فیروز (۱۴۰۴). امکان‌سنجی تقنین در فضای مجازی با تأکید بر اصول قانون اساسی ایران. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۴)، ۲۳۲۱-۲۲۹۷. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2024.363374.3367
DOI	10.22059/jplsq.2024.363374.3367
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در دنیای معاصر، فضای مجازی کانونی برای فعالیت‌های روزانه بشر است. ارسال پیام‌ها، به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تصاویر، مشاهده ویدئو و فیلم‌ها، تبادل معلومات و... تنها بخش‌هایی از رخدادهایی است که از طریق اینترنت انجام می‌شود. حقوق نمی‌تواند به این وقایع بی‌تفاوت باشد. صیانت از ارزش‌ها و اخلاق و پاسداری از حقوق و آزادی‌های شهروندان اقتضا می‌کند که قانون‌گذار با وضع قواعدی آن را قاعده‌مند کند. در سال‌های اخیر، قوانینی در حوزه تجارت الکترونیک، جرایم رایانه‌ای و... به تصویب رسیده است. در پرتو قوانین یادشده، قانون‌گذار ضمن تبیین بایدها و نبایدهایی شهروندان را مکلف به پیروی از آن‌ها می‌کند. با وجود این، باید توجه داشت اینترنت در مقایسه با سایر وسایل ارتباطی پیچیدگی بیشتری دارد. دخالت عوامل مهم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بر پیچیدگی آن افزوده است. اینترنت را نمی‌توان با سایر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی (همچون رادیو و تلویزیون) مقایسه کرد. ممانعت از بر هم خوردن نظم عمومی، امنیت ملی و آسایش، حمایت از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی و حقوق و حیثیت دیگران و... از اسباب لزوم مدیریت فضای مجازی هستند. در این خصوص، ضرورت تبیین خط‌مشی و چارچوب کلی برای مدیریت فضای مجازی امری اساسی است.

کشورهای مختلف در این زمینه به شیوه متفاوتی عمل کرده‌اند: برخی سیاست فیلترینگ تارنماها را اعمال می‌کنند و پاره‌ای فقط هرزه‌نگاری کودکان را ممنوع کرده‌اند و گروهی دیگر نیز اولویت را به حریم خصوصی داده‌اند. در کشور ما قواعد چندانی پیرامون استفاده از اینترنت در مدارس، ادارات دولتی، دسترسی آزاد به اطلاعات، حریم خصوصی، کپی‌رایت و... وجود ندارد. جرم‌انگاری پاره‌ای از اعمال اگرچه سودمند است، چارچوبی کلی را ارائه نمی‌دهد.

در این پژوهش، تحلیل تفصیلی سیاست‌های تقنینی در فضای مجازی، با تأکید بر اصول قانون اساسی، پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد که آیا قوانین فعلی می‌تواند پاسخگوی چالش‌های فضای مجازی باشد یا نیازمند تقنین در این حوزه هستیم؟

در خصوص موضوع پژوهش، تحقیقات محدودی انجام شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های جایگاه فقهی حقوقی فیلترینگ در رسانه‌های مجازی از دیدگاه مذاهب خمس نوشته روزبهانی (۱۳۹۳) و حقوق بشر و اینترنت ترجمه زمانی و بهرام‌لو (۱۳۹۳) اشاره کرد. این کتاب‌ها، مسئله اینترنت و فضای مجازی را به نحو کلی مورد بررسی قرار داده‌اند و از تبیین قواعد پیرامون نظام حاکم بر آن خودداری کرده‌اند. همچنین در حوزه مقالات نیز مقاله‌های متعددی پیرامون فضای مجازی به رشته تحریر در آمده است. از آن جمله می‌توان به مقاله «قانون‌گذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران» نوشته ضیایی و شکیب‌نژاد و «گستره و قلمروی حریم خصوصی در فضای

مجازی» نوشته فتحی و شاهمرادی و در نهایت «تبيين سياست‌گذاري فضاى مجازى در جمهورى اسلامى ايران» نوشته فرهنگى و همکارانش اشاره کرد. در این نوشتارها، فقط فضای مجازی در حوزه مسائلى همچون فيلترينگ، ارائه سياست‌هاى کلى در فضاى مجازى و اصول مديريت اين فضا به‌طور کلى مورد تبیین قرار گرفته است و از ارائه راهکار در حقوق ايران خوددارى شده است. افزون بر اين در نوشتارهاى اشاره‌شده چالش‌هاى فضاى مجازى به‌صورت پراکنده و اجمالى بررسى شده است.

هدف اين مقاله ارزيابى امکان‌سنجى تقنين در فضاى مجازى با تمرکز بر اصول قانون اساسى در جمهورى اسلامى ايران است. اين مقاله به بررسى چالش‌ها و فرصت‌هاى مرتبط با تشکيل قوانين مناسب در فضاى مجازى با توجه به اصول حقوقى و اخلاقى جمهورى اسلامى ايران مى‌پردازد. مسئله مورد بررسى امکان‌سنجى و ارائه راهکارهاى تقينى است که با مبنای اصول قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران هماهنگ باشد و بتواند به چالش‌ها و پيچيدگى‌هاى فضاى مجازى پاسخ دهد. اين مقاله از چارچوب نظرى زير برآيد بررسى امکان‌سنجى تقنين در فضاى مجازى با تأکيد بر اصول قانون اساسى در جمهورى اسلامى ايران استفاده مى‌کند:

۱. نظريه حکمرانى سايبى: اين نظريه به بررسى چالش‌ها و فرصت‌هاى مرتبط با حاکميت و تنظيم فضاى مجازى مى‌پردازد. نظريه حکمرانى سايبى به دنبال ارائه مدل‌هاى مختلف برآيد مديريت و اداره فضاى مجازى است. اين نظريه بر اين باور است که فضاى مجازى بايد توسط يک نظام حکمرانى چندلايه و مشارکتى اداره شود. اين نظام حکمرانى بايد شامل دولت‌ها، سازمان‌هاى بين‌المللى، بخش خصوصى و جامعه مدنى باشد (فيروزآبادى و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴).

۲. نظريه حقوق سايبى: اين نظريه به بررسى مباني حقوقى و اخلاقى مرتبط با فضاى مجازى مى‌پردازد. نظريه حقوق سايبى به دنبال تبیین قواعد و مقررات حاکم بر فضاى مجازى است (قاجارلو قيونلو، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

۳. اصول قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران: قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران، به عنوان ميثاق ملي، چارچوبى کلى برآيد قانون‌گذاري در تمام زمينه‌ها، از جمله فضاى مجازى، ارائه مى‌دهد. اصول مربوط به آزادى بيان، حق دسترسى به اطلاعات، حریم خصوصى و نظم عمومى از جمله اصول مرتبط با اين موضوع هستند.

فرضيه اين مقاله اين است که امکان‌سنجى تقنين در فضاى مجازى، با رعايت اصول قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران، مى‌تواند به ارتقاى حقوق و آزادى‌هاى شهروندان در اين فضا کمک کند و همچنين با چالش‌ها و مخاطرات آن برخورد کند. از اين رو، قوانين فعلى ناکارآمدند و نيازمند تقنين در اين حوزه هستند.

این مقاله از روش تحلیلی-توصیفی برای بررسی موضوع استفاده می‌کند. در این روش، ابتدا به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسنادی پرداخته می‌شود. سپس، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت، با استفاده از استدلال منطقی، نتایج و یافته‌های پژوهش به دست می‌آید.

مقاله حاضر، پس از بیان مفاهیم در دو قسمت، به بررسی و تحلیل موضوع می‌پردازد؛ در قسمت نخست، مدیریت فضای مجازی و در قسمت دوم، حوزه‌های تقنین در فضای مجازی.

۲. مفهوم‌شناسی

در این بخش برخی از مفاهیم اساسی و مرتبط با موضوع مقاله ذکر می‌شود: حریم خصوصی: تعاریف متعددی از حریم خصوصی ارائه شده است. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از: حق بر تنها ماندن؛ دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی ناخواسته و ناخوانده به انسان؛ محرمانگی و پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛ کنترل بر اطلاعات شخصی؛ حمایت از شخصیت و کرامت؛ حق بر عالم صمیمیت و کرامت انسان‌ها (Foord, 2000: 16). همچنین در تعریفی جامع، حریم خصوصی قلمرو زندگی هر فرد دانسته شده است که نوعاً یا عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند، به آن قلمرو وارد نشوند، به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند، یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۸). همچنین آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات حریم خصوصی را قلمرویی از زندگی شخصی فرد معرفی کرده است «که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره‌شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات».

فضای مجازی: فضای مجازی را می‌توان ارتباطات به‌هم‌پیوسته، نامحسوس، سریع، غیرقابل مشاهده‌ای دانست که از طریق اینترنت در جامعه الکترونیکی و در فضای غیرواقعی و تخیلی به وقوع می‌پیوندد. اینترنت در شکل‌گیری این فضا نقشی اساسی و مهم دارد. اینترنت ارتباط الکترونیکی حاوی انتقال پیام‌های دیجیتالی از طریق رایانه‌ها است. در واقع، اینترنت را می‌توان مجموعه شبکه‌های به‌هم‌پیوسته ارتباطی الکترونیکی دانست که بسیاری از اعمال همچون انتقال فایل‌ها، کسب اطلاعات، مشاهده فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، شنیدن آهنگ و... در فضای نام‌برده انجام می‌شود (Anheier, 2009: 597).

حدود دخالت دولت: حدود دخالت دولت به میزان و نحوه مشارکت و نظارت دولت در زندگی شهروندان اشاره دارد. این حدود باید با رعایت حقوق شهروندی و حقوق بنیادین فردی تعیین شود. حدود دخالت دولت در زمینه‌های مختلف می‌تواند شامل قوانین حفاظت از حقوق انسانی، تأمین امنیت عمومی، تنظیم بازارها و مسائل مرتبط با فضای مجازی باشد. این حدود باید به گونه‌ای باشد که از آزادی و حریم شخصی افراد حفاظت کند و در عین حال نقش دولت در تأمین خدمات عمومی و حفظ نظم را تضمین کند.

نظریه حکمرانی سایبری: این نظریه به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با حاکمیت و تنظیم فضای مجازی می‌پردازد. نظریه حکمرانی سایبری به دنبال ارائه مدل‌های مختلف برای مدیریت و اداره فضای مجازی است. این نظریه بر این باور است که فضای مجازی باید توسط یک نظام حکمرانی چندلایه و مشارکتی اداره شود. این نظام حکمرانی باید شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی باشد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴).

نظریه حقوق سایبری: این نظریه به بررسی مبانی حقوقی و اخلاقی مرتبط با فضای مجازی می‌پردازد. نظریه حقوق سایبری به دنبال تبیین قواعد و مقررات حاکم بر فضای مجازی است (قاجارلو قیونلو، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

۳. مدیریت فضای مجازی

مراد از مدیریت فضای مجازی اعمال راهکارهایی پیرامون فیلترینگ، وضع قواعد در مورد این فضا، محدود کردن دسترسی شهروندان و... است (روزبهانی، ۱۳۹۳: ۸۶). بررسی تحلیلی مدیریت فضای مجازی پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد: نخست چه نیازی به لزوم مدیریت فضای مجازی وجود دارد؟ دوم در مدیریت فضای مجازی باید از چه نظامی (الگو یا ساختاری) تبعیت کرد؟

۱.۳. ضرورت مدیریت فضای مجازی

فضای مجازی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است. این فضا آکنده از تصاویر چندبعدی، اخبار، اطلاعات، سایت‌ها و پایگاه‌های علمی است. شهروندان بدون رابطه دیداری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. یکی از مظاهر حاکمیت دولت‌ها وضع قانون و پیش‌بینی ضمانت اجرای تخطی از قانون است. تردیدی وجود ندارد که فضای مجازی به‌رغم مزایای فراوان مشکلات زیادی از قبیل امکان نقض حریم خصوصی، افشای اطلاعات، انحرافات اخلاقی، نشر اکاذیب، فریب شهروندان در سطح اجتماعی و تهدیدات امنیتی و استقلال و تمامیت ارضی کشور در سطح ملی را دارد. قانون‌گذار باید با اعمال تدابیری، ضمن فراهم آوردن زمینه‌های استفاده شهروندان از فضای یادشده، از بروز مشکلات احتمالی بکاهد. این کار از طریق مدیریت فضای مجازی انجام می‌شود.

بی‌گمان، دولت‌ها دارای حاکمیت مستقل و دائمی هستند. توانایی فرماندهی آن‌ها در کنترل امور از قدرت عمومی سرچشمه می‌گیرد. قدرت دولت از نهاد بیرونی اتخاذ نمی‌شود (عباسی، ۱۳۹۳: ۵۰؛ مدنی، ۱۳۷۴: ۷۴). حاکمیت دولت پلی میان نظم عمومی و نظم بین‌المللی است که موجب پیوند آن‌ها به یک‌دیگر می‌شود (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۸: ۱۶). خصیصه فراملی و جهانی بودن اینترنت نمی‌تواند مانعی در کنترل آن توسط دولت باشد. صیانت از حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان موجب می‌شود که قانون‌گذار مبادرت به مدیریت آن کند.

یکی از نویسندگان معتقد است رسانه‌های گروهی نقشی مهم در آگاهی عمومی مردم دارند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی از رسانه‌های نام‌برده به‌منظور آگاه‌سازی مردم استفاده می‌کنند. ممانعت از فعالیت رسانه‌های اشاره‌شده موجب انحراف و فساد جامعه می‌شود. در این میان گروهی به دنبال انحصارطلبی آن‌ها و دیکته کردن عقاید خویش هستند. برخی نیز تحمل انتقاد را ندارند و با آزادی بیان مخالف هستند. هر دو گروه جامعه را به انحطاط می‌کشانند (هاشمی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۶۸).

از زمان پیدایش اینترنت تا به امروز عقاید متعددی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین عقاید این است که آیا می‌توان اینترنت را در کنترل و مدیریت درآورد؟ در امریکا قاعده‌مند کردن اینترنت در زمان ریاست جمهوری «بیل کلینتون» شدت بیشتری گرفت. حزب حاکم در آن زمان به دنبال ارائه یک چارچوب برای تجارت الکترونیک جهانی بود. نتیجه اعمال تدابیر اشاره‌شده تبدیل اینترنت به محیط کاملاً نظارتی شد. طبق دیدگاه کلینتون، اینترنت از اهمیت زیادی برخوردار بود و به‌منظور حمایت از آزادی در اینترنت باید توسط بخش خصوصی اداره می‌شد. نیازی نیست قواعد و مقرراتی پیرامون اینترنت وضع شود. بازارها در این خصوص می‌توانند نقشی محوری ایفا کنند. در این مورد باید بیشترین نقش را تا حد امکان به دولت (در امر مداخله و تنظیم مسائل مربوط به اینترنت) داد (Savin, 2013: 8-9).

چین (از لحاظ حجم و تعداد محدودیت) اولین کشور در مسدود کردن تارنما‌های اینترنتی در جهان است. در این کشور، موتور جست‌وجوی گوگل از ارائه برخی خدمات اینترنتی و نتایج جست‌وجو (بنا به درخواست مقامات چینی) خودداری می‌کند. نتایج مورد اشاره در خارج از چین قابل تحصیل هستند. همچنین تصاویر کشتار (مربوط به برخی وقایع تاریخی) در سال‌های گذشته قابل مشاهده نیست. مقامات چینی از فناوری برای کنترل فضای مجازی استفاده می‌کنند. روی مانیتور تلفن همراه آن‌ها نرم‌افزاری وجود دارد که اشاعه شایعات سیاسی را ردیابی می‌کند. چین تعداد زیادی از افراد را برای مدیریت فضای مجازی استخدام کرده است. روند فیلتر کردن سایت‌ها از سال ۱۹۹۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۲ شدت پیدا کرد (روزبهبانی، ۱۳۹۳: ۸۶).

در کشور ما لزوم مدیریت فضای مجازی از بسیاری از اصول قانون اساسی قابل استنباط است: در مقدمه قانون اساسی، ذیل عنوان وسایل ارتباط جمعی، اشاره شده است که این وسایل باید همسو با

روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند. از آنجا که رادیو و تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران دولتی است (اصل ۴۴ قانون اساسی) و در قانون اساسی برای آن تدبیر اندیشیده شده است، به نظر می‌رسد این مهم قابل تسری به فضای مجازی نیز باشد. در بند یکم اصل سوم نیز دولت مکلف شده است همه امکانات خود را برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار گیرد. امروزه فضای مجازی به بستری تبدیل شده است که افراد می‌توانند ساعت‌ها از وقت خویش را در آن سپری کنند. سهل‌الوصول بودن دسترسی و در دسترس بودن محتواهای عام و احتمالاً غیر اخلاقی، که ممکن است تأثیر بدی بر رشد فضایل اخلاقی و ایمان و تقوای افراد داشته باشد، می‌تواند مبنایی برای لزوم تقنین در فضای مجازی قلمداد شود؛ به گونه‌ای که دولت موظف است با آن به مبارزه بپردازد.

بند دوم اصل سوم قانون اساسی از جمله تکالیف دولت را ارتقای دانش عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر می‌داند. در این بند، بر لزوم آگاه شدن مردم از اطلاعات عمومی تأکید شده است. دولت مکلف است از طریق وسایل ارتباط جمعی سطح آگاهی و اطلاعات شهروندان را بالا ببرد. صیانت از ارزش‌های موجود در جامعه و حفظ سلامت جسمی و روانی شهروندان از تکالیف زمامداران در جوامع دموکراتیک است. بی‌گمان، برخورداری مطلق شهروندان از حقوق و آزادی‌های عمومی در این فضا ممکن است به سلب آزادی دیگر شهروندان منجر شود. قانون‌گذار باید با اتکا به قانون اساسی چارچوب کلی اعمال حقوق و آزادی شهروندان را ترسیم کند.

بند هفتم از اصل سوم، که در مقام بیان تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون است، تکلیف دیگر قانون‌گذار به حساب می‌آید، که باید به دلیل جلوگیری از تعارض و تزاخم منافع افراد و لزوم رعایت حقوق و آزادی‌های افراد دیگر اجتماع و با هدف تأمین نظم عمومی مبادرت به وضع قانون در این زمینه کند. به نظر می‌رسد فضای مجازی به دلیل دارا بودن شرایط و پیچیدگی‌های خاص تری نسبت به فضای حقیقی در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

اصل دیگر اصل نهم قانون اساسی است که هیچ فرد یا گروهی حق ندارد به نام آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، تمامیت ارضی، نظامی و اقتصادی خدشه وارد کند. شکی نیست که اینترنت می‌تواند به ابزاری برای سوءاستفاده احتمالی بیگانگان در اعمال سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شود. این مهم با توجه به وقایع ماه‌های اخیر در کشور دارای مبنای ملموس تری است. در این روزها مشاهده شد که در بستر فضای مجازی تا چه میزان می‌توان علیه امنیت ملی، نظم عمومی، استقلال و تمامیت ارضی یک کشور توطئه کرد. آموزش آتش‌سوزی، ساخت مواد منفجره، نحوه مقابله با نیروهای امنیتی و انتظامی مأمور به تأمین نظم عمومی همه از مواردی هستند که در این اصل می‌توانند از مبانی لزوم

قانون‌گذاری در این زمینه قرار گیرند. در نهایت دولت باید با اقتدار سیاسی به پاسداری از آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور بپردازد. نکته مهم دیگر در این اصل این است که آزادی‌های مشروع به موجب قوانین و مقررات به طور کلی قابل سلب نیستند، اما قابل تحدید هستند. این نکته از این نظر ضروری است که اگر اینترنت را به مثابه یک حق قلمداد کنیم، همان‌طور که در برخی کشورها اینترنت با پهنای باند مشخص به مثابه یک حق است، در این صورت قانون‌گذار نمی‌تواند با وضع قانون این آزادی را به طور کلی ساقط کند؛ بلکه می‌تواند با توجه به نظام ارزشی جامعه به تحدید آن‌ها بپردازد. اصل دیگر اصل بیست‌ویکم قانون اساسی است که به موجب آن دولت مکلف به ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او است. متأسفانه مشاهده می‌شود فضای مجازی به ابزاری برای تضعیف کيان خانواده و زن از طریق ترویج بی‌بندوباری و مسائل غیراخلاقی و مستهجن تبدیل شده است. لازمه حفظ ارزش‌ها و قداست‌ها مدیریت این فضا توسط دولت است. لازم به ذکر است، در اصل دهم قانون اساسی نیز خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی قلمداد شده و قوانین و مقررات باید در زمینه پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

همچنین اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی بر آزادی نشریات و مطبوعات نظارت دارد. دو اصل آسیب‌رسان به مبانی اسلام و حقوق عمومی نبودن شرط تأمین این آزادی است. از آنجا که امروزه اینترنت نیز یکی از ابزارهای مهم، گسترده و پرسرعت انتقال مطالب نشریات و مطبوعات است، می‌تواند مبنای دیگری برای وضع قاعده در این زمینه باشد. در خصوص دسترسی افراد به اطلاعات و انتشار آن در فضای مجازی باید توجه داشت حذف و فیلتر کردن پیام‌رسان‌هایی همچون تلگرام را می‌توان نقض آزادی اطلاعات و حق دسترسی مردم به اطلاعات دانست. برخی نظام‌ها مواردی همچون نظم عمومی، امنیت ملی و امنیت عمومی را تفسیری موسع می‌کنند و دسترسی شهروندان به اطلاعات را محدود می‌سازند، درحالی‌که عنوان یادشده عناوینی مبهم و قابل تفسیر هستند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴۹ - ۳۵۰).

نهایت آنکه در فضای مجازی امکان نقض حقوق شهروندی، توهین و هتک حیثیت شهروندان وجود دارد. بسیاری از اصول قانون اساسی بر صیانت از ارزش‌ها تأکید می‌کند. از میان این اصول می‌توان به اصل مصونیت تعرض به جان، مال، حقوق مردم (اصل ۲۲ قانون اساسی)، ممانعت از هر گونه تجسس (اصل ۲۵ قانون اساسی)، منع هتک حرمت و حیثیت افراد (اصل ۳۹ قانون اساسی)، منع اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی (اصل ۴۰ قانون اساسی) اشاره کرد. شکی نیست که حاکمیت می‌تواند با وضع قانون در فضای مجازی و تعیین ضمانت اجرا از حقوق مردم حمایت کند.

۲.۳. سازکارهای مدیریت فضای مجازی

مستنبط از اصول قانون اساسی (اصول اشاره‌شده)، مدیریت فضای مجازی نه تنها حق دولت است، بلکه تکلیف آن نیز هست. دولت مکلف است، ضمن تبیین چارچوب‌هایی، شهروندان را به تبعیت از قوانین ملزم کند. پرسشی که در این مورد مطرح می‌شود این است که دولت از چه شیوه‌هایی در این مورد استفاده می‌کند؟ نظریه خودتنظیمی، تفسیر قوانین جاری، وضع قانون در موارد خاص و ارائه قانونی جامع از جمله دیدگاه‌های مطرح‌شده در این مورد هستند که در ادامه به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

در اینجا نکته‌ای که لازم است طرح شود بنیاد نظری تحلیل چالش دخالت دولت در فضای مجازی و تقابل با حریم خصوصی است که می‌توان آن را در سه بستر و روش نظریه حقوقی، نظریه فلسفی-اخلاقی و نظریه فناورانه بیان کرد.

۱. نظریه حقوقی: در این بنیاد نظری، اصول حقوقی و حقوق بنیادین افراد به عنوان پایه تحلیل قرار می‌گیرند. این اصول شامل حقوق حاصل از قانون اساسی، حقوق مدنی، حقوق انسانی و حقوق دیگری است که در یک جامعه مشخص تعریف شده‌اند. بر اساس این نظریه، هر گونه دخالت دولت در فضای مجازی باید با اصول حقوقی تطابق داشته باشد و از حقوق اساسی افراد پیروی کند. همچنین، حق حریم خصوصی، به عنوان یک حق اساسی و مهم در این بنیاد نظری، از تأکید بیشتری برخوردار است.

۲. نظریه فلسفی-اخلاقی: در این بنیاد نظری، اصول فلسفی و اخلاقی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این نظریه شامل ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه و احترام به حقوق انسانی و ارزش‌های فردی می‌شود. آنچه باید در اینجا بررسی شود این است که چگونه دخالت دولت در فضای مجازی می‌تواند با اصول اخلاقی جامعه سازگار باشد و از ارتکاب نقض حقوق انسانی و حریم خصوصی پرهیز کند.

۳. نظریه فناورانه: در این بنیاد نظری، مسائل مربوط به فناوری، امنیت دیجیتال، و اثر تکنولوژی بر حقوق فردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نظریه به چگونگی تعادل میان نیازمندی‌های امنیت ملی و امنیت شخصی در دنیای دیجیتال و نقش دولت در حفاظت از این دو می‌پردازد.

با توجه به هر یک از این بنیادهای نظری، تحلیل چالش‌ها و تقابل دخالت دولت در فضای مجازی با حفظ حریم خصوصی میسر خواهد بود. در هر صورت، ایجاد تعادل میان نیازهای امنیتی و حقوق فردی از جمله چالش‌های این تقابل است که نیاز به پژوهش‌های دیگر و تعیین استانداردهای دقیق دارد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶).

رویکرد پیشنهادی برای مدیریت فضای مجازی رویکردی ترکیبی است که از مزایای هر سه نظریه حقوقی، فلسفی-اخلاقی، و فناورانه بهره می‌برد. در این رویکرد، ابتدا باید اصول حقوقی و حقوق بنیادین افراد، اصول فلسفی و اخلاقی جامعه، و مسائل مربوط به فناوری، امنیت دیجیتال و اثر تکنولوژی بر

حقوق فردی به طور دقیق بررسی شود. سپس، با توجه به این سه دسته از اصول، چارچوبی برای مدیریت فضای مجازی تدوین شود که ضمن حفظ حریم خصوصی افراد حاکمیت دولت را نیز تأمین کند. رویکرد ترکیبی دارای جامعیت، تعادل و کارآمدی است. همچنین با چالش‌هایی همچون پیچیدگی، نیاز به تخصص و هزینه زیاد روبه‌رو است. بنابراین، با توجه به پیچیدگی و پویایی فضای مجازی، انتخاب یک رویکرد واحد برای مدیریت آن دشوار است. مدیریت فضای مجازی یک موضوع پیچیده و چالش‌برانگیز است. رویکرد ترکیبی، اگرچه مزایای زیادی دارد، چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. برای حل این چالش‌ها، نیاز به انجام مطالعات بیشتر، ایجاد نهادهای تخصصی و تخصیص منابع کافی است.

۱.۲.۳. قواعد خودتنظیمی

خودتنظیمی به معنای تفویض اختیارات به بخش خصوصی است. در واقع، خودتنظیمی به معنای بی‌قانونی است. دولت، به جای وضع قانون در حوزه اینترنت، از شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت می‌خواهد که پاره‌ای قیود و شروط را در قراردادهای خود با کاربران اعمال کنند. در این روش، دولت در کنار ممانعت از ورود به حوزه قانون‌گذاری اختیارات خویش را به بخش خصوصی اعطا می‌کند. به نظر می‌رسد عملکرد دولت در این روش مشابه دولت‌های تنظیم‌گر در حقوق عمومی باشد؛ به این معنا که دولت در بسیاری از امور رأساً مداخله نمی‌کند، بلکه فقط به تنظیم‌گری در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. روش‌های خودتنظیمی دارای مزایایی است: الگوی خودتنظیمی الگویی انعطاف‌پذیر و قابل انطباق با پیشرفت و فناوری است. همچنین هیچ‌گونه هزینه‌ای را (در مقایسه با وضع قانون) بر عهده دولت یا نهادهای اجرایی قرار نمی‌دهد. کاربران نیز انگیزش بالایی در پذیرش آن دارند (ادریسی و صفاری‌دوست، ۱۳۹۳: ۴۰). چنین رویکردی از منظر اجتماعی پذیرفتنی است. این امر به معنای اعمال اختیاری قواعد مطلوب در حوزه فضای مجازی است. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی با فراهم کردن الگوهای قراردادی از استفاده‌کنندگان می‌خواهند به آن تعهدات عمل کنند. قواعد مندرج در قرارداد میان ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و کاربران اینترنتی نباید یک‌جانبه و به نفع شرکت ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی باشد. این قواعد باید تا حد امکان آزادی کاربران را تضمین کند (Marsden, 2011: 48).

در عمل، با افزایش روزافزون اینترنت و فضای مجازی، اعمال مقررات خودتنظیمی با دشواری‌هایی مواجه شد. با افزایش رو به رشد استفاده‌کنندگان خدمات اینترنتی و افزایش پهنای باند کاربران، خطرات امنیتی و چالش‌هایی از قبیل مسئولیت کاربران مطرح شده است. در سال ۱۹۹۷ فقط چهارده میلیون خانوار از خدمات اینترنتی برخوردار بودند. در حالی که در سال ۲۰۰۷ حداقل تعداد دویست میلیون خانوار از چنین خدماتی برخوردار شدند. چنین تحولی را می‌توان به چرخه توزیع مواد مخدر در میان اشخاص تشبیه کرد. پس از ارائه نسخه جالب محصول در میان کاربران، نسخه جالب‌تر آن ظاهر می‌شد (Marsden, 2011: 48).

به‌کارگیری مطلق قواعد خودتنظیمی دارای معایبی است. این روش نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و بر آن ایراداتی وارد است:

الف) احتمال نقض حقوق شهروندان به دلیل فقدان ضمانت اجرای مناسب بسیار بالا است. خودتنظیمی نمی‌تواند ابزاری برای ممانعت از ارسال تبلیغ‌های ناخواسته اینترنتی، ارسال هرزنامه‌های اینترنتی (اسپم‌ها) یا منع قماربازی اینترنتی باشد.

ب) شهروندان به‌درستی از دامنه حقوق و آزادی‌های خود آگاهی ندارند. این احتمال وجود دارد که آن‌ها ناخواسته حريم خصوصی دیگران را نقض کنند یا حق نشر مؤلفان را نادیده بگیرند یا به سایت‌های ممنوعه دسترسی پیدا کنند. بی‌گمان، استفاده از قرارداد خصوصی کاربران و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی نمی‌تواند این ایرادات را بکاهد یا آن‌ها را برطرف سازد.

اصل ۷۱ قانون اساسی اختیار وضع قانون در عموم مسائل را به مجلس شورای اسلامی داده است. نظر به اهمیت فضای مجازی و کاربرد آن در جامعه و نارسایی قواعد خودتنظیمی، استفاده از قوانین برای مدیریت این فضا امری ضروری است.

۳.۲.۲. تسری مفاد قوانین به پدیده‌های جدید

طبق این دیدگاه، از وضع قانون جدید خودداری می‌شود و قوانین موجود در آن مورد نیز جریان می‌یابد. مثال اول: در امریکا قانون «حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی» (۱۹۸۶) وجود دارد. هرچند قانون اشاره‌شده پیش از پیدایش و گسترش اینترنت به وجود آمده بود، صاحب‌نظران آن را در حوزه ارتباطات الکترونیکی از طریق اینترنت نیز به کار می‌برند. طبق قانون یادشده، ارتباطات الکترونیکی عبارت است از «هرگونه انتقال علائم، سیگنال‌ها، نوشته، اصوات، داده‌ها یا اطلاعات به‌طور کامل یا جزئی از طریق سیم، رادیو، الکترومغناطیس، عکس الکترونیکی یا سیستم نوری». در حقوق این کشور می‌توان با اتکا به حکم دادگاه و به‌منظور انجام دادن تحقیقات جنایی مبادرت به نقض حریم خصوصی قرارداد مشارکتی کرد (Tripathi, 2020: 12).

مثال دوم: در استرالیا قانونی (قانون مصوب سال ۱۹۹۲) در خصوص پخش برنامه‌ها (برنامه‌های تلویزیونی) وجود دارد که مفاد آن در خصوص اینترنت نیز به کار برده می‌شود. این قانون در سال ۱۹۹۹ مورد اصلاح قرار گرفت و در خصوص انتقال محتوای اینترنت تسری پیدا کرد. اصلاحات یادشده، در پاسخ به نگرانی جامعه استرالیا در خصوص کودکان بود. در یادداشت‌های توضیحی این قانون آمده بود: نگرانی دولت و جامعه در خصوص مطالب و برنامه‌هایی است که به‌صورت آنلاین پخش می‌شود؛ به‌ویژه دربارهٔ سهولت دسترسی به مواردی از قبیل هرزه‌نگاری یا سایر مواردی که برای کودکان نامناسب است. هدف قانون‌گذار از وضع قانون ارائهٔ چارچوب مناسب در خصوص برنامه‌های آنلاین از طریق اینترنت

است. این اصلاحات با هدف تحقق سه مورد بود: الف) ارائه وسیله‌ای برای رسیدگی به شکایات مربوط به برخی از مطالب اینترنتی؛ ب) محدود کردن دسترسی به برخی از محتواهای اینترنتی که احتمالاً موجب ارتکاب جرم برای فردی متعارف و منطقی می‌شود؛ و ج) برای محافظت و حمایت از کودکان در برابر محتوای نامناسب اینترنت (Brian et al., 2008: 45).

تسری قوانین عام و مادر به حوزه فضای مجازی، اگرچه دارای مزایایی است، خالی از اشکال هم نیست؛ برخی مسائل موجود در قوانین یادشده در فضای مجازی قابل انطباق نیستند. پاره‌ای از مسائل حوزه اینترنت در قوانین موجود مشاهده نمی‌شود. اگرچه این دیدگاه نسبت به دیدگاه پیشین تا حد زیادی تعدیل شده است، مشکلات ناشی از فقدان قانون در برخی موارد مشاهده می‌شود.

۱.۲.۲.۳. وضع قوانین

نارسایی قوانین فعلی اندیشه وضع قانونی جدید را به ذهن متبادر می‌سازد. ماهیت جهانی اینترنت حکایت از این امر دارد که این پدیده فقط مرزهای جغرافیایی را در نمی‌نوردد، بلکه وارد دامنه‌هایی همچون فرهنگ، عقاید و... می‌شود. این در حالی است که داده‌ها و اطلاعات در اینترنت همه‌وقت و همه‌جا وجود دارند و هیچ‌گونه هم‌گرایی در خصوص کنترل آن‌ها وجود ندارد. از نظر عقیدتی نیز بسیاری از کشورها عقاید یکسانی با دیگر کشورها ندارند.

برخی معتقدند دولت‌ها در امر تقنین در فضای مجازی باید از الگوهای سنتی فاصله بگیرند. وضع قوانین باید با توجه به خصوصیات منحصر به فرد آن باشد. در این خصوص باید قواعد غیرحقوقی، هنجارهای اجتماعی، خصیصه فراملی بودن اینترنت و... را در نظر بگیرند و مفاهیم سنتی (که ظهور در زمان و مکان دارد) در این مورد جریان نمی‌یابد (رضایی و بابازاده مقدم، ۱۳۹۳: ۵۸).

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ دستورالعملی را در خصوص حریم خصوصی و ارتباطات الکترونیکی وضع کرد. دستورالعمل یادشده چنین مقرر می‌کرد: ارسال اسپم و فاکس و بازاریابی تلفنی امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه پیش از آن رضایت گیرنده اعلام شود یا اینکه بتوان رضایت وی را از قبل استنباط کرد. بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خصوص اسپم قوانینی را وضع کرده‌اند. از این کشور می‌توان به اتریش، دانمارک، فنلاند، آلمان، یونان، ایتالیا، بلژیک و اسپانیا اشاره کرد. در انگلیس قانون سوءاستفاده از رایانه مصوب ۱۹۹۰ وجود دارد که در خصوص اسپم‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود. طبق قانون یادشده، دسترسی غیرمجاز به رایانه‌ها از جمله ارسال هرزنامه‌ها ممنوع است. در مجموع می‌توان گفت مقابله با اسپم نیازمند تلاش جهانی برای مقابله با آن است. در برخی کشورها اگرچه قانونی در خصوص اسپم وجود دارد، کاربران باید به دنبال روش‌هایی برای کاهش اسپم باشند. نرم‌افزارهای مقابله با اسپم از کارایی لازم برخوردار نیستند. دولت‌ها باید در خصوص ارسال کنندگان اسپم اقدامات لازم را اتخاذ کنند و

هزینه‌هایی که شهروندان برای مقابله با اسپم متحمل می‌شوند بر آن‌ها تحمیل شود. از جمله این راهکارها تعیین میزانی هزینه برای ارسال هر پیام از طریق ایمیل است (Schwabach, 2005: 275).

در وضع قانون جدید در حوزه فضای مجازی باید به اصول قانون اساسی توجه کرد. یکی از نویسندگان معتقد است انسان در اعمال حق خویش چاره‌ای ندارد جز اینکه حقوق و آزادی‌های دیگران را رعایت کند. برای رعایت نظم اجتماعی و رعایت حقوق دیگران و احترام به آن می‌توان محدودیت‌هایی را بر آزادی‌های شاخص وارد کرد. آزادی مطلق انسان معنایی جز نابودی عقل و تن وی ندارد (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

برخی معتقدند، با توجه به تفاوت فاحش فضای سایبر و فضای سنتی، باید در فضای سایبر در هر موردی قوانین هر چند مدت یک بار مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند (صابرنژاد و حسین‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۶). یکی از اصول مهم در قانون اساسی ایران، اصل حاکمیت قانون است. طبق اصل یادشده در کلیه امور عمومی تصمیم‌گیری باید طبق قانون باشد. بر اساس این اصل، مقامات عمومی، لشکری و کشوری باید طبق قانون عمل کنند. این اصل موجب زوال خودکامگی و استبداد حکام می‌شود. علاوه بر این، انجام دادن اعمال اداری طبق قانون تضمین‌کننده حقوق همه‌جانبه و امنیت قضایی می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۱۷). برخی معتقدند قانون‌گذار ایرانی به دنبال پیروی از عرف بین‌المللی در فضای مجازی است، اما در عین حال قواعد حقوق داخلی را هم لحاظ می‌کند (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۲۶ - ۱۲۷). برخی معتقدند در امکان‌سنجی قاعده‌مند کردن نظام حقوقی در فضای سایبر باید بین قانون و آموزه‌های اخلاقی قائل به تفکیک شد. در آموزه‌های اخلاقی، فقط از انجام دادن پاره‌ای امور نهی شده است. درحالی‌که قانون دارای محتوا و ضمانت اجرای حقوقی است. اصل حاکمیت قانون اقتضا می‌کند بایدها و نبایدهای حقوقی در متون قانونی همراه محتوا (مثلاً ضمانت اجرا) درج شود. گفتنی است، در این زمینه نباید از الزامات شکلی و ماهوی مربوط به اصل حاکمیت قانون نیز غافل شد. باید توجه داشت که قانون باید دارای ویژگی‌هایی نیز باشد؛ از جمله اینکه عادلانه، عاقلانه، نظم‌آفرین و اخلاقی باشد. ضمانت اجرای نقض قانون اساسی فقط ممانعت از انجام دادن عمل است و نه بیشتر (قاجارلو قیونلو، ۱۳۹۱: ۲۲۶ - ۲۶۷).

نباید چنین پنداشت که وضع قانون جدید در حوزه اینترنت خالی از اشکال نیست. بی‌گمان، قانون‌گذاری در این فضا مشکلاتی را به همراه دارد. در بخش‌های متعدد و متفاوت از دنیای معاصر، حقوق حاکم بر اینترنت متفاوت از بخش‌های دیگر است. قواعد حقوقی قواعدی الزام‌آور هستند که در بخش‌های معینی از دنیا اعمال می‌شوند. باید پذیرفت از نظر سرزمینی قواعد یکسانی درباره اینترنت اعمال نمی‌شود. اینترنت را می‌توان همچون ماهواره دانست. مسائل مربوط به اینترنت قواعد چند کشور و منطقه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد؛ به گونه‌ای که این امکان وجود دارد که امری در کشوری دارای قواعد حقوقی مشخصی باشد و در کشور دیگر قواعد حقوقی دیگری در مورد آن اعمال شود (Consalvo, 2013: 149).

برخی بر حاکمیت مقررات داخلی یک کشور بر فضای مجازی ایراداتی وارد کرده‌اند. از منظر آن‌ها فعالیت‌های موجود در فضای مجازی فقط در یک کشور انجام نمی‌شود. اصل حاکمیت قوانین داخلی موجب تخریب فضای حاکم بر اینترنت می‌شود. چنین اصلی با ویژگی بین‌المللی بودن اینترنت در تعارض است. حاکمیت قوانین داخلی کشورها در قلمرو جغرافیایی آن‌ها به معنای حاکمیت آن در فضای مجازی نیست (رجبی و ترازوی، ۱۳۹۶: ۲۹۹). با این همه باید توجه کرد که پیچیدگی‌های خاص حاکم بر مسائل اینترنت و فضای مجازی نباید باعث فراموشی حاکمیت داخلی کشورها شود. آنجا که انحصارگران اینترنت منشأیی برای تعرض به تمامیت ارضی و امنیت ملی کشوری می‌شوند، حتی دموکراتیک‌ترین کشورها نیز اقداماتی را به منظور مبارزه با تهاجمات انجام می‌دهند؛ و اهمیت این موارد مبتنی بر ارجح دانستن حاکمیت داخلی دولت-کشورها بر محدوده سرزمینی خویش است.

شکی نیست که دولت‌ها در خصوص امور داخلی قوانین و مقرراتی دارند و آن‌ها را درباره شهروندان و مردم به کار می‌برند. در پاره‌ای موارد، معاهداتی بین‌المللی را منعقد می‌کنند و بدان ملتزم می‌شوند. در قوانین داخلی کشورها این امکان فراهم شده است که به یاری قواعد حل تعارض قوانین خارجی در حوزه دادگاه‌های داخلی نیز اجرا شود. به نظر می‌رسد در حوزه فضای مجازی نیز قانون‌گذار می‌تواند از چنین رویکردی استفاده کند.

۴. حوزه‌های تقنین در فضای مجازی

کشورهای مختلف در حوزه تقنین فضای مجازی به شیوه یکسانی عمل نکرده‌اند: برخی کشورها در خصوص مسائلی وضع قانون کرده‌اند که در کشورهای دیگر مورد توجه قرار نگرفته است. هرزه‌نگاری، حریم خصوصی، حق نشر ادارات دولتی، مدارس و... از جمله حوزه‌های وضع قانون است. تحلیل این مسائل می‌تواند از حیث تقنین احتمالی و اقتباس قانون‌گذار ایرانی مفید باشد. در ادامه به ذکر موارد اشاره شده می‌پردازیم.

۱.۴. هرزه‌نگاری

در سالیان اخیر هرزه‌نگاری یکی از چالش‌های مهم در امریکا بوده است. این کشور در مقایسه با سایر کشورها (همچون ولز و کانادا) شاهد تغییرات اساسی بوده است. در سال ۱۹۹۶ قانون محدودیت هرزه‌نگاری کودکان به تصویب رسید. طبق قانون یادشده، ایجاد تصاویر از طریق کامپیوتر و رایانه به‌منظور تحریک صریح کودکان به انجام دادن رفتارهای جنسی جرم است. قوانین ایالتی و فدرال هرزه‌نگاری کودکان را ممنوع کردند. ایالات متعدد این کشور، پس از تصمیم دیوان عالی، مبادرت به

وضع قوانین متعدد در این حوزه کردند. دیوان عالی این کشور بر این مسئله تأکید داشت که مداخله کودکان در حوزه هرزه‌نگاری باید مسئله‌ای جدی تلقی شود. دادگاه عالی ایالات متحده بر این مسئله تأکید کرد که استفاده از کودکان در مسئله هرزه‌نگاری منجر به ایجاد صدمات جسمی و روحی بر آن‌ها می‌شود. تحصیل سود مالی از طریق هرزه‌نگاری کودکان، توزیع فیلم در خصوص فعالیت‌های جنسی نوجوانان یا سوءاستفاده جنسی کودکان جرم و ممنوع است. در پرونده «آزبورن به طرفیت اوهایو»^۱ دادگاه چنین مقرر کرد که ممنوع کردن هرزه‌نگاری کودکان ابزاری برای محافظت از کودکان در برابر استثمار است (Akdeniz, 2008: 95). قانون یادشده چنین مقرر می‌کند: «مراد از هرزه‌نگاری فقط تولید تصاویر نیست، بلکه ایجاد هر گونه توصیف یا تصویر ذهنی در کودکان از قبیل عکس، فیلم، تصاویر یا غیر آن و هر چیزی که منجر به حضور آن‌ها در فعالیت‌های جنسی شود است». قانون یادشده فقط به تولید هرزه‌نگاری محدود نمی‌شد؛ بلکه توزیع، تولید، توصیف، ارتقا و... را در بر می‌گرفت. همچنین عکس‌های ناشایست و استفاده بزرگ‌سالان در هرزه‌نگاری کودکان و به تصویر کشیدن کودکان در هرزه‌نگاری جرم تلقی می‌شد (Akdeniz, 2008: 97).

در انگلستان، در سال ۱۹۹۴، قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۹۷۸ مورد اصلاح قرار گرفت و تصاویر ایجادشده توسط رایانه را نیز اضافه کرد و پورنوگرافی کودکان از طریق اینترنت ممنوع شد. در سال ۱۹۹۵ پورنوگرافی کودکان تبدیل به یک دغدغه عمومی شد و اقدامات قضایی با هدف حمایت از کودکان در این خصوص اعمال شد. برخی در پرونده‌های خاصی تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند. در سال ۱۹۹۴ پورنوگرافی کودکان جرم‌انگاری شد و جرم یادشده از مصادیق جرایم جنسی که مستقیم به کودکان آسیب می‌رساند تلقی شد (Akdeniz, 2008: 18).

در خصوص فیلترینگ باید توجه داشت که فیلتر کردن سایت‌ها با مشکلاتی مواجه است. این فیلترینگ توسط نرم‌افزار و ماشین انجام می‌شود و اندیشه‌های انسانی در آن نقشی ندارند و امکان اشتباه وجود دارد. نیز این احتمال وجود دارد که مطلب موجود سایتی علمی را مستهجن تلقی و آن را مسدود کند. همچنین فیلترینگ به کلیه کاربران به شکل شخصی واحد می‌نگرد و تبعیضی در نظر نمی‌گیرد. این امکان وجود دارد که مطالبی برای شخصی گمراه‌کننده باشد و برای فرد دیگر مطالب مناسبی باشد (روزبهبانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

طبق اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه قوانین و برنامه‌ریزی‌ها باید با هدف تسهیل تشکیل خانواده، استواری روابط خانوادگی بر مبنای حقوق و اخلاق اسلامی و پاسداری از حرمت و قداست خانواده باشد. بی‌گمان، فقط جرم‌انگاری در حوزه زمینه هرزه‌نگاری کفایت نمی‌کند. کودکان و

1. Osborne v. Ohio.

خانواده‌ها باید در یک محیط ایمن به کار و فعالیت‌های خویش مشغول شوند. اینترنت نباید بستری برای کج‌روی‌های جنسی- اجتماعی کودکان باشد.

یکی از استادان معتقد است که مذاقه در بسیاری از اصول قانون اساسی، همانند اصل چهارم و مقدمه قانون اساسی، حکایت از اهمیت ارزش‌های مذهبی در قانون اساسی دارد. شورای نگهبان نیز از آنچه برخلاف موازین اسلامی است ممانعت به عمل می‌آورد. شکی نیست این ارزش‌ها بنیان حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد و حاکمیت در تمامی موارد مقید به آن است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۵۳ - ۳۵۴).

۲.۴. حریم خصوصی

حریم خصوصی و آزادی بیان از مؤلفه‌های جامعه دموکراتیک است. یک جامعه دموکراتیک بدون تصور آزادی بیان امکان‌پذیر نیست. در پرتو حق یادشده، شهروندان باید بتوانند صریح و بی‌پرده مطالبی را درباره نهاد‌های عمومی بیان کنند. ماهیت اینترنت به گونه‌ای است که هر شخصی می‌تواند نظرات مخالف دیدگاه‌های دیگران را بیان کند؛ همچنان که برخی شورشیان از طریق اینترنت دیدگاه‌های خود را در خصوص دولت مخالف خویش اعلام می‌کنند. هرچند اینترنت پناهگاهی برای مخالفان سیاسی محسوب می‌شود، امکان اجرای حق آزادی بیان به نحو مطلق در برخی موارد موجب نقض حریم خصوصی دیگر شهروندان است. بر این اساس، هنگامی که شخصی در یک مکان عمومی مطالبی را بیان می‌کند که موجب رنجش خاطر دیگران را فراهم می‌کند یا در انظار عمومی نمایشی نامناسب را انجام می‌دهد عمل مزبور جرم محسوب می‌شود. افراد در حریم خصوصی خویش آزاد هستند که عقاید خویش را بیان کنند. اما چنانچه حریم یادشده حالت علنی و عمومی پیدا کند و منجر به ایجاد نفرت شود، آزادی بیان محدود می‌شود (هیک و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۳).

در ژاپن حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق اساسی شناسایی شده است. چنین حقی مستنبط از اصل ۱۳ قانون اساسی آن‌ها است. بر اساس اصل یادشده، مردم حق دارند خوشبختی را مطالبه کنند. قانون حمایت از اطلاعات شخصی در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید. حق حمایت از حریم خصوصی مورد تأیید و حمایت اصل ۱۳ قانون اساسی این کشور است و قانون حمایت از اطلاعات شخصی سال ۲۰۰۳ حریم خصوصی را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، شرکت‌هایی که داده‌های شخصی را پردازش می‌کنند مکلف به حفظ حریم خصوصی هستند (Komukai, 2020: 25).

در کانادا، در ژوئیه سال ۲۰۱۴، قانون ضد هرزه‌نامه ایمیل^۱ اعمال شد. رسالت قانون یادشده حمایت از تجارت ناخواسته و تشویق به رشد الکترونیکی تجارت و اعتماد به بازار آنلاین بود. قانون اشاره‌شده

1. canada's anti-spam legislation (CASL)

ارسال پیام‌های الکترونیکی ناخواسته را ممنوع کرد، مگر با رضایت گیرنده. رضایت مورد اشاره می‌تواند صریح یا ضمنی باشد. رضایت ضمنی در مواردی وجود دارد که سابقه فعالیت تجاری میان طرفین وجود داشته باشد. قانون‌گذار مرکزی تحت عنوان مرکز گزارش اسپم را در خصوص رسیدگی به پیام‌های الکترونیکی تجاری ناخواسته در نظر گرفت. کمیسیون رادیو و تلویزیون کانادا و کمیساریاری حریم خصوصی مجاز به تحقیق در این خصوص در شرایط مناسب هستند (Scassa, 2020: 62).

اصل بیست‌وسوم قانون اساسی ایران تفتیش عقاید را ممنوع دانسته است. بر اساس اصل یادشده، هیچ شخصی را نمی‌توان به دلیل داشتن عقیده‌ای خاص بازخواست کرد. ممنوعیت تفتیش عقاید ناظر به حالتی است که اندیشه در درون یک فرد باشد. انتشار افکار گمراه‌کننده جایز نیست. شکی نیست مباحث علمی مابین افراد دارای سطح بالا در فضای مناسب (مثلاً دانشگاه‌ها) با هیچ ایرادی مواجه نیست. بیان مطالب علمی برای اشخاصی با دانش پایین و بی‌اطلاع از مباحث علمی منطقی و عقلایی نخواهد بود (نجفی و محسنی، ۱۳۷۹: ۴۵۵). برخی معتقدند نقض حریم خصوصی افراد مشهور زمانی امکان‌پذیر است که منافع عمومی اقتضا کند. دربارهٔ رجال سیاسی مشهور (نظر به الگو بودن آن‌ها در جامعه) باید حداکثر تلاش برای حفظ حریم خصوصی آن‌ها انجام شود (ذاکریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

شکی نیست جریان آزاد اطلاعات از ویژگی‌های جامعهٔ دموکراتیک است. با وجود این، لازم است در خصوص اطلاعات شغلی افراد که به سبب شغلی به دست نیامده، انتشار ابلاغ‌نامه‌های دادگستری در فضای مجازی، اعلام نمرات دانشجویان، دوربین مخفی و... قوانین صریحی وضع شود (محسنی، ۱۳۸۴: ۸۸). دولت به نمایندگی از شهروندان از جایگاه قانون‌گذاری برخوردار است و به نمایندگی از همهٔ جامعه عمل می‌کند و حق ایجاد هماهنگی و موازنه میان آزادی اندیشه‌ها را دارد؛ به‌گونه‌ای که اندیشهٔ یک شهروند موجب نقض اندیشهٔ سایر شهروندان نشود (زولر، ۱۳۸۹: ۱۷۲ - ۱۷۵).

۳.۴. حق نشر

از منظر بسیاری از تولیدکنندگان فیلم، ناشران، نویسندگان و... فضای مجازی به‌مثابهٔ کابوسی برای مالکیت فکری تولیدات آن‌ها است. فناوری این امکان را به اشخاص داده است که از تولیدات آن‌ها بازدید کنند. تولیدات آن‌ها نه‌تنها برای یک شخص، بلکه برای هر شخصی در هر زمان از طریق اینترنت قابل دسترسی است. اشخاص می‌توانند به‌جای مراجعه به فایل اصلی از طریق یک هارددیسک تولیدات در اینترنت را ذخیره کنند. در امریکا طبق قانون حق نشر دیجیتال مصوب ۱۹۹۸ نقض حق نشر و شبیه‌سازی آن جرم محسوب می‌شود. بسیاری از تولیدکنندگان در فضای مجازی سایت‌هایی را ایجاد می‌کنند و اجازهٔ بهره‌برداری و دسترسی مطالب و محتواها را به اشخاص نمی‌دهند مگر اینکه آن‌ها

مبادرت به پرداخت بهای آن‌ها کنند. چنین امری مبتنی بر این اندیشه است که از اساس منصفانه نیست که اشخاص در هر زمان ممکن بتوانند به هر چیزی دسترسی پیدا کنند (Robert, 2001: 23).

در چین قانون کپی‌رایت شبکه‌ای وجود دارد. در سال ۲۰۰۰ تفسیری در خصوص قانون یادشده ارائه شد. این تفسیر مشتمل بر ۱۰ ماده بود و برای نقض حق نشر در اینترنت خسارتی را تعیین کرد. در سال ۲۰۰۱ قانون کپی‌رایت چین اصلاح و نقض حق کپی‌رایت در اینترنت به آن اضافه شد. به هر شکل این قانون فقط متضمن سه ماده در خصوص اینترنت بود و در مورد اختلافات مربوط به حق چاپ در اینترنت راهکاری را ارائه نمی‌داد. در سال ۲۰۰۳ اصلاحاتی بر قانون یادشده انجام شد. حداکثر مبلغ برای خسارت وارده در نتیجه نقض کپی‌رایت دیجیتال تعیین و حداقل مبلغ برای خسارت اشاره‌شده حذف شد و مسئولیت مدنی در خصوص دور زدن فناوری تعیین شد. به موجب اصلاحات بعدی برای نقض حق چاپ و مسئولیت کیفری در نظر گرفته شد، با این شرط که انتشار آثار دارای حق چاپ از منظر اینترنت انتشار و توزیع غیرقانونی تلقی شود؛ همچنین با توجه به تفسیر کپی‌رایت اصلاح‌شده شبکه‌ها، بازنشر آنلاین و گزیده آثار (به‌استثنای نرم‌افزار، فیلم و رمان)، قبل از ۱ جولای ۲۰۰۶، به عنوان نقض حق چاپ محسوب نمی‌شود. شکی نیست مقررات مربوط به دادگاه عالی چین در هر دعوا یا ادعایی قابل اعمال است. در کشور چین عنصر اساسی اعمالی که منجر به نقض حق چاپ می‌شود «کپی» است. این مفهوم زمانی گسترش می‌یابد که «پیوند دادن و جست‌وجو» ترکیب شود (Brian et al., 2008: 18).

در فرانسه طبق قانونی که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید این اجازه به فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی اعطا شد که کاربرانی را که به صورت غیرقانونی مبادرت به دانلود، بدون رعایت حق کپی‌رایت، می‌کنند از اتصال به اینترنت محروم کنند. همچنین بر اساس قانون دیگری که در سال ۲۰۰۹ به مجلس این کشور تقدیم شد این اجازه به دولت این کشور داده شده است که نسبت به تارنماهایی غیراخلاقی اقداماتی از قبیل فیلتر و مسدودی را اعمال کند. همچنین بر طبق قانونی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید کشور فرانسه فعالیت‌های اینترنتی و پست‌های اینترنتی مشتریان و کاربران را تا یک سال ذخیره می‌کند. نیز این امکان به پلیس این کشور داده شد که با هدف کشف و اثبات جرم پیام‌های شهروندان را بررسی کند (Zittrain, 2003: 79).

حمایت از حقوق مالکیت فکری و حق نشر امری مسلم است. طبق اصل بیست‌ودوم قانون اساسی، حقوق اشخاص مصون از تعرض است. دولت مکلف به حمایت از حقوق یادشده است. قوانین مربوط به حق نشر نمی‌توانند پاسخگوی نقض این حق در فضای مجازی باشند. این در حالی است که طبق اصل ۷۱ قانون اساسی شورای اسلامی می‌تواند در حدود مقرر قانون اساسی مبادرت به وضع قانون کند. این امر با وضع قوانین ویژه پیرامون نقض مالکیت فکری در فضای مجازی محقق می‌شود.

۴.۴. کارمندان دولتی

یکی از مسائل مهم در فضای مجازی نظارت بر عملکرد و نوشته‌های کارمندان در فضای مجازی است. دادگاه توکیو در این مورد اعلام کرد: تحت نظارت قرار دادن ایمیل‌های کارکنان و کارمندان برای شرکت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. دستورالعملی درباره استفاده کارکنان در خصوص استفاده شخصی از ابزارهای الکترونیکی وجود ندارد و آن‌ها ملزم به استفاده از ابزارهای یادشده فقط در امور شغلی هستند. دستورالعمل وزارت کار، رفاه و بهداشت و همچنین وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت امکان نظارت دقیق و مشخص بر کارمندان را تبیین می‌کند. دستورالعمل اشاره‌شده از لزوم موافقت صریح کارمندان برای نظارت بر آن‌ها سخن می‌گوید (Komukai, 2020: 261).

در امریکا، در برخی از شرکت‌ها و ادارات دولتی، دسترسی کارمندان و خدمه به سایت‌های هرزه‌نگاری محدود شده است. همچنین کلیه کارمندان مکلف به استفاده از نسخه‌های اصل و مادر روی کامپیوترها هستند. در پاره‌ای از موارد صاحبان برخی ادارات یا شرکت‌ها کامپیوترهایی را سفارش می‌دهند که فقط در حوزه شغلی می‌توان از آن استفاده کرد و امکان دسترسی به موارد دیگر وجود ندارد (Zittrain, 2003: 670).

در کشورهای یادشده، کارمندان از انجام دادن امور غیرشغلی در زمان اداری ممنوع هستند. این محدودیت‌ها فقط مواردی است که کارمندان به علت شغل خویش متحمل شده‌اند و فلسفه آن اعمال انضباط اداری است. کارمندان مکلف‌اند همه توان خویش را برای تحقق اهداف ادارات دولتی اعمال و از انجام دادن اعمال غیرمرتبط با شغل خویش دوری کنند. چنین قاعده‌ای تفسیر مضیقی از مفهوم آزادی را ارائه می‌دهد. در بند دهم اصل سوم قانون اساسی ایران دولت مکلف به ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری شده است. لازمه چنین امری وضع قواعدی پیرامون محدودیت دسترسی کارکنان اداری به تارنماهای غیرمرتبط در حین انجام دادن وظیفه است.

۴.۵. مدارس

در امریکا، طبق قانون حمایت از اینترنت کودکان، مصوب سال ۲۰۰۰، اشخاص زیر ۱۸ سال از دسترسی به بعضی از رسانه‌ها ممنوع هستند. مدارس و کتابخانه‌های الکترونیکی که از بودجه دولتی استفاده می‌کنند مکلف به پیروی کردن از این مقررات هستند. بسیاری از مدارس و کتابخانه‌ها این قانون را محدودکننده و پالایش‌دهنده سایت‌های اینترنتی می‌دانند. بر این اساس، چنانچه مطالبی که در اینترنت مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد با محتوای آموزشی و تحصیلی تناسبی نداشته باشد، مقامات مدرسه مکلف هستند دسترسی کودکان را محدود کنند. فیلتر کردن و غربالگری برخی کلمات از پیش تعیین شده به تشخیص آن‌ها بستگی دارد و همچنین این امکان وجود دارد که دسترسی به برخی مطالب را محدود

کنند؛ همانند «هم‌جنس‌باز». باید توجه داشت اگرچه حق آزادی بیان حقی تضمین شده در قانون اساسی امریکا است و هر گونه تلاشی برای محدود کردن آن باید با توجه به دلیلی موجه و متناسب با اهداف دولت باشد، در این موارد، محدود کردن کودکان از دسترسی به اینترنت متناسب با این هدف است. بر این اساس، مطالب مربوط به هرزه‌نگاری فیلتر می‌شود. البته طبق قانون اشاره‌شده، متون مورد فیلتر قرار نمی‌گیرند و فقط تصاویر محدود و ممنوع می‌شوند. همچنین فیلتر کردن تصاویر نامناسب برای خردسالان الزامی است. شکی نیست اگرچه طبق قانون یادشده دسترسی کودکان و اشخاص زیر ۱۸ سال به اینترنت محدود شده است، این اختیار به مقامات مدرسه یا سایر افراد دارای صلاحیت داده شده است که بر مبنای حسن نیت و تحقق سایر اهداف قانونی (انجام دادن امور پژوهشی و تحقیقات علمی) در مواردی خاص مبادرت به رفع فیلتر کنند (Conn, 2002: 13-14).

بسیاری از قوانینی که درباره معاملات اطفال، مسئولیت مدنی و کیفری آن‌ها در قوانین ما مشاهده می‌شود چهره‌ای حمایتی دارد. قانون‌گذار به منظور حمایت از آن‌ها مبادرت به وضع قوانینی مغایر با افراد بالغ و بزرگ‌سال می‌کند. نظر به نقش اینترنت در پرورش فکری کودکان، شایسته است مقرراتی حمایتی در خصوص اینترنت تصویب شود.

طبق اصل دهم قانون اساسی ایران، همه قوانین و برنامه‌ریزی‌ها باید جهت تسهیل تشکیل خانواده، استواری روابط خانوادگی بر مبنای حقوق و اخلاق اسلامی و پاسداری از حرمت و قداست خانواده باشد. اینترنت نباید بستری برای کج‌روی‌های جنسی - اجتماعی کودکان باشد. وضع قوانین در خصوص دسترسی کودکان و بزرگ‌سالان از طریق نام کاربری و رمز عبور می‌تواند مؤثر واقع شود.

قانونی با عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ وجود دارد. طبق بند ۶ ماده ۱۰ این قانون در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا با اثر مستهجن جرم و قابل مجازات است. همچنین طبق بند ۷ همان ماده، استفاده از اطفال و نوجوانان برای تهیه، تولید، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی - بصری مستهجن و مبتذل جرم است. بند هشت همان ماده واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله و بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن اطفال و نوجوانان را مستوجب مجازات تعزیری درجه شش قانون مجازات اسلامی می‌داند.

۵. نتیجه‌گیری

مدیریت فضای مجازی مستلزم ارائه بهترین راهکارها در خصوص قاعده‌مند کردن این فضا است. پایان دادن به آشفتگی موجود در این فضا از طریق وضع بهترین و شایسته‌ترین قواعد ممکن در این خصوص امکان‌پذیر است. حقیقت این است که فضای مجازی دارای ویژگی‌های خاص خود است؛ اما این فضا

همچون فضای واقعی باید قاعده‌مند شود و روابط میان اشخاص در آن‌ها تنظیم شود. اکتفای صرف به قوانین فعلی نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های فضای مجازی باشد. در این خصوص وضع قانون جامع ضروری است؛ قانون جامعی که نه تنها به دنبال صیانت از فضای مجازی در خصوص تهدیدات موجود در آن باشد، بلکه متضمن قواعدی پیرامون تنظیم روابط اشخاص در این فضا باشد. مسائلی همچون نقض حقوق مالکیت فکری، ممانعت از ارسال هرزه‌نامه الکترونیکی، تبلیغات ناخواسته اینترنتی، مقابله با قماربازی اینترنتی و... از جمله مسائلی است که باید در این قانون لحاظ شود. طبیعت فضای مجازی به گونه‌ای است که نمی‌توان تمامی قواعد فضای واقعی را در مورد آن به کار گرفت. اندیشه تسری قوانین فعلی به حوزه فضای مجازی نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا فلسفه وجودی این قواعد حمایت از وضعیت خاصی بوده است. از این رو این قواعد قابلیت تسری به فضای مجازی را ندارند. بنابراین، نمی‌توان به قواعد یادشده اکتفا و از وضع قانون خودداری کرد. وضع قانون باید به عنوان راهکار در نظر گرفته شود و در وضع قوانین در فضای مجازی باید طبیعت این فضا و رعایت اصول و ضوابط قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد. توجه به نکات زیر برای مدیریت این فضا ضروری است:

۱. پویایی فضای مجازی: با توجه به رشد سریع فناوری و تحولات مستمر در فضای مجازی، قوانین فعلی نمی‌توانند با پویایی و چالش‌های متعدد این فضا هم‌گام شوند.
۲. نیازمندی به تضمین حقوق شهروندان: افزایش فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در فضای مجازی نیازمند قوانین به‌روز و تضمین‌کننده حقوق شهروندان است.
۳. محدودیت‌های قانونی موجود: محدودیت‌های قانونی فعلی در بسیاری از حوزه‌ها از جمله حریم خصوصی و هرزه‌نگاری ناکافی است و به اصول حقوقی جامعه به‌خصوص در فضای مجازی پاسخگو نیست. راهکار پیشنهادی برای پاسخ به چالش‌های فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران این موارد است:
 ۱. تجدیدنظر در قوانین موجود: با توجه به پیچیدگی فضای مجازی، نیازمند تجدیدنظر و به‌روزرسانی قوانین موجود جهت تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان هستیم.
 ۲. استفاده از تکنولوژی: بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین برای نظارت و پیشگیری از تخلفات در فضای مجازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
 ۳. هماهنگی بین دستگاه‌ها: برقراری هماهنگی مؤثر بین دستگاه‌های قضایی، اجرایی و تنظیمی در تدوین و اجرای قوانین جدید می‌تواند اثربخشی این قوانین را افزایش دهد.
 ۴. فیلترینگ: متأسفانه یکی از مشکلات موجود در فضای مجازی مسئله دسترسی کاربران به این فضا است. در حال حاضر این امکان وجود دارد که هر شخصی به این فضا بدون هیچ‌گونه محدودیتی و بدون رعایت شرایط سنی دسترسی پیدا کند. این در حالی است که حتی در حوزه مقررات راهنمایی‌وراندگی استفاده از اتومبیل در جاده‌ها و خیابان‌ها منوط به داشتن گواهی‌نامه و داشتن حداقل

سنى است. فضای مجازی، که متضمن خطرات گسترده اجتماعی است، نباید بدون هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیت رها شود. قانون‌گذار باید با اتخاذ راهکارهایی نخست دسترسی اشخاص به اینترنت را از طریق درگاه‌های ملی امکان‌پذیر کند، به گونه‌ای که شخصی خاص با کد ملی معین به اینترنت وصل شود. شکی نیست که دارنده کد ملی مسئول اعمال و اقدامات خود در این فضا است. دوم، دولت بر نقش نظارتی خود بر این فضا بیفزاید؛ به گونه‌ای که شهروندان احساس کنند بر آن‌ها نظارت می‌شود. شکی نیست زندگی اجتماعی در فضای سنتی و عادی به گونه‌ای است که مردم بخش‌هایی از آزادی‌های خود را از دست می‌دهند. در فضای مجازی نیز مردم باید بپذیرند که در کنترل دولت و قوای عمومی هستند و بر این اساس بخشی از آزادی‌های خویش را از دست می‌دهند و برخی از محتواهای فضای مجازی با محدودیت دسترسی و اینترنت مواجه است. البته در شناسایی این امور نمی‌توان راهی افراطی را در پیش گرفت، به گونه‌ای که شهروندان یک کشور را از بقیه مردم جهان تفکیک کرد و دست به پالایش کلی زد. در این خصوص رعایت حقوق و آزادی شهروندان باید اصل و اساس قرار گیرد و ممنوعیت دسترسی باید استثنا باشد. بی‌گمان، توسعه اخلاق می‌تواند مانع کاهش کج‌روی‌های اجتماعی شود و هرچند توسعه آن امری ضروری است، به‌تنهایی کفایت نمی‌کند.

۵. مسئولیت مدنی دولت: هرچند دولت بر طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی دارای مسئولیت است و مکلف به جبران کردن کلیه خسارات وارده بر شهروندان ناشی از تعدی و تفریط خویش است، در حوزه فضای مجازی چنین مسئولیتی کم‌رنگ و بی‌رنگ است. اقدام به مسدود کردن پایگاه‌های اطلاعاتی و محدود کردن خودسرانه، قطع کردن یکباره اینترنت در بخشی از کشور بدون دلایل موجه و... باید عاملی برای امکان جبران خسارت تلقی شود.

کوتاه سخن آنکه ایجاد نظام جامع حکمرانی سایبری راهکار بنیادین برای حل چالش‌های فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران است. این نظام می‌تواند به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان نیازهای امنیتی و اجتماعی جامعه را نیز تأمین کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. انصاری، باقر (۱۳۸۷). حقوق ارتباط جمعی. تهران: سمت.
۲. روزبهانی، محمدرضا (۱۳۹۳). جایگاه فقهی حقوقی فیلترینگ در رسانه‌های مجازی از دیدگاه مذاهب خمسسه. تهران: کتاب آوا.
۳. زولر، الیزابت (۱۳۸۹). درآمدی بر حقوق عمومی. ترجمه: سید مجتبی واعظی. تهران: جنگل.

۴. عباسی، بیژن (۱۳۹۳). مبانی حقوق عمومی. تهران: دادگستر.
۵. فیروزآبادی، سید ابوالحسن؛ آزادی، جواد؛ زبیده، حسین؛ برقی، سید امیررضا و حسین، سید رسول (۱۳۹۹). درآمدی بر حکمرانی فضای مجازی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. قاجارلو قیونلو، سیامک (۱۳۹۱). مقدمه حقوق سایبر. تهران: میزان.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی. تهران: دادگستر.
۹. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی. تهران: جنگل.
۱۰. لطفی، اسدالله (۱۳۸۹). حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: جنگل جاودانه.
۱۱. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۴). حقوق اساسی تطبیقی. تهران: گنج دانش.
۱۲. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید (۱۳۷۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: بین‌المللی المهدی
۱۳. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی. چ دوازدهم، تهران: میزان.
۱۴. هیک، استیون؛ هلیپین، ادوارد اف و هوسکینز، اریک (۱۳۹۳). حقوق بشر و اینترنت. ترجمه: قاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: خرسندی.

ب) مقالات

۱۵. ادریسی، فرهاد و صفاری‌دوست، مجتبی (۱۳۹۳). قانونمند کردن اینترنت با تطبیق در حقوق کامن لا. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸ (۴)، ۲۵-۴۶.
۱۶. جعفری، افشین (۱۳۹۸). حاکمیت بر فضای سایبر از منظر حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۴۹، ۱۰۹-۱۳۲.
۱۷. ذاکریان، اکبر؛ جاور، حسین و بطحایی، سیدفرهاد (۱۳۹۹). حریم خصوصی افراد مشهور و فرزندانشان. دانش حقوق عمومی، ۳۰، ۱۱۷-۱۴۰.
۱۸. رجبی، عبدالله و ترازوی، نسرین (۱۳۹۶). بررسی انتقادی حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت بر فضای مجازی. تحقیقات حقوقی، ۸۰، ۲۸۳-۳۰۷.
۱۹. رضایی، مهدی و بابازاده مقدم، حامد (۱۳۹۳). اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا. پژوهش حقوق عمومی، ۴۲، ۴۳-۸۲.
۲۰. صابرنژاد، علی و حسین‌پور، پری (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی گونه‌شناسی نقض حریم خصوصی در فضای سایبر. جستارهای حقوق عمومی، ۳، ۲۱۵-۲۳۰.
۲۱. محسنی، فرید (۱۳۸۴). تلاقی حریم شخصی و آزادی اطلاعات در حقوق ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۷ و ۳۶، ۷۱-۹۰.
۲۲. محسنی، وجیهه؛ هاشمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد و عباسی، بیژن (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت‌سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران. پژوهش حقوق عمومی، ۶۲، ۳۲۱-۳۵۴.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Akdeniz, Y. (2008). *Internet child pornography and the law national and international responses*. British Library Cataloguing in Publication Data: England.
2. Anheier, H. (2009). *Stefan Toepler International Encyclopedia of Civil Society*.
3. Brian, F.; Fuping, G., Damien, O., & Samsung, X. (2008). *Copy right Law*. Digital Content And The Internet In The Asia-Pacific: Sydney University Press.
4. Consalvo, M., & Charles, Ess. (2013). *The Blackwell hand book of internet studies*. Oxford, UK: Blackwell Publications.
5. Conn, K. (2002). *The Internet and the Law What Educators Need to Know*. Association for Supervision and Curriculum Development Alexandria: Virginia USA.
6. Foord, K. (2000). *Defining Privacy*. Victorian law reform commission: Melbourne Victoria, Australia.
7. Marsden, T. C. (2011). *Internet Co Regulation European Law*. Regulatory Governance And Legitimacy In Cyberspac: Cambridge University Press. First published.
8. Komukai, T. (2020). *Ius Comparatum Global Studies in Comparative Law*. Data Protection in the Internet: Japanese National Report. Springer. Switzerland.
9. Savin, A. (2013), *EU Internet Law*, Edward Elgar Pub, USA.
10. Tripathi, K. (2020). *Protection of Privacy in Cyberspace: A Comparative Analysis Between India and USA*.
11. Schwabach, A. (2005). *Internet and the Law Technology, Society, and Compromises-ABC-CLIO*: Santa Barbara California .
12. Scassa, T. (2020). *Data Protection and the Internet: Canada, Ius Comparatum – Global Studies in Comparative Law.*, Springer ,Switzerland.
13. Zittrain, J. (2003). *Internet Points of Control*: Boston College Law Review.

B) Article

14. Robert, E. L. (2001). Law and Policy in the Age of the Internet. *Duke Law Journal*. Duke University School of Law, Vol. 50, No. 4.

C) Websites

15. http://firstmonday.org/issues/issue7_6/alt_inta/index.html.
17. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3611622.